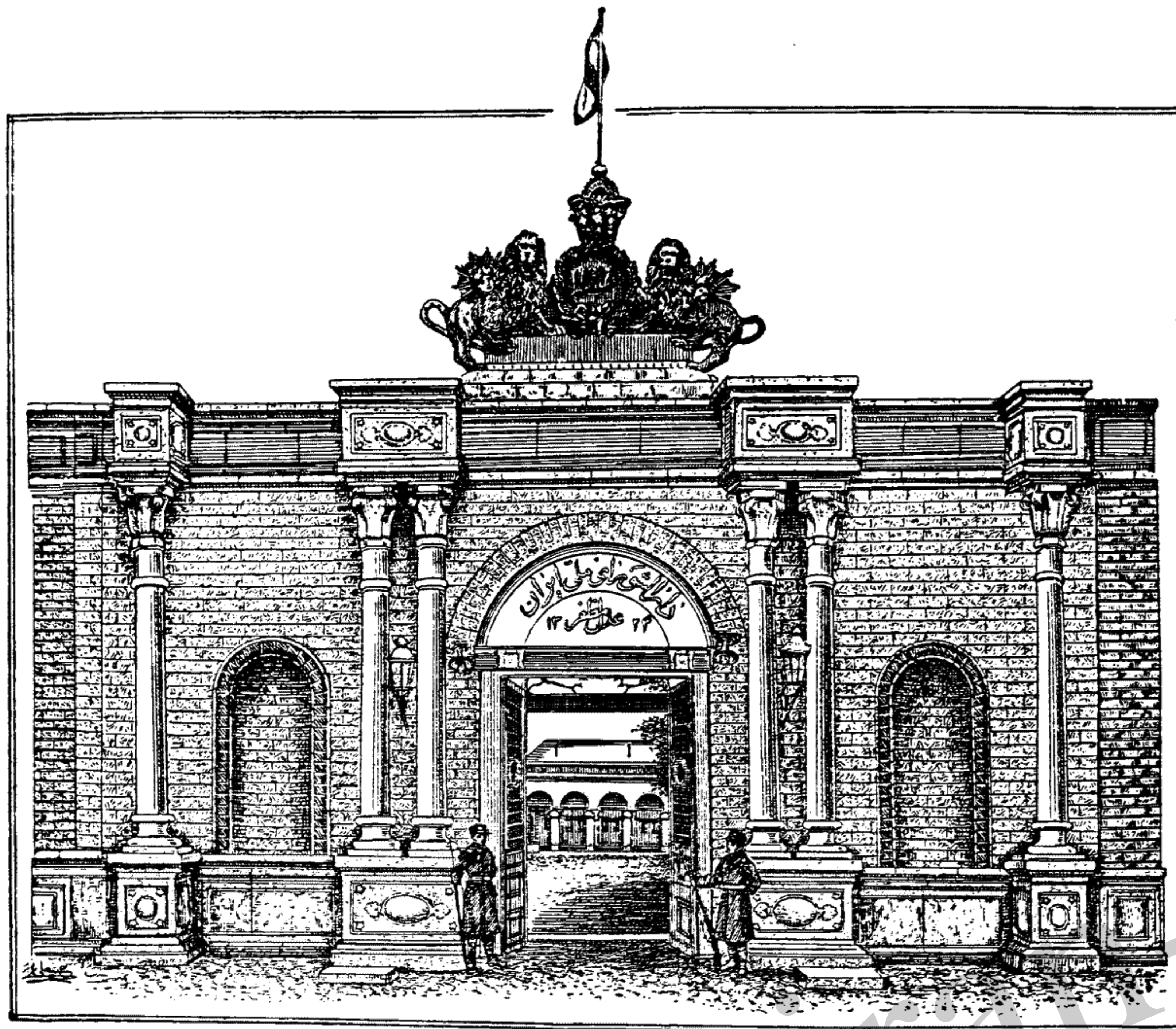


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۷۲</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۳۷</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۵ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲ جمادی الثانیه ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مضعه مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه نك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات



ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان شیروانی و یحیی خان زنگنه	۲۷۹۰	۲۷۹۱
۲	اعلام تشکیل کمیسیونهایی که نسبت بآنها اختلاف نظری موجود نیست	۲۷۹۱	۲۷۹۱
۳	مذاکره در اطراف خبر کمیسیون بودجه راجع ببودجه سنه ۱۳۰۶ مملکتی	۲۷۹۱	۲۸۱۱

مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۵ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲ جمادی الثاني ۱۳۴۶

جلسه ۱۷۲

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر برپاست)
 آقای بیرنیا تشکیل گردید (صورت مجلس بوم پنجشنبه دوم آبان را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)
 غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان : حاج علی اکبر امین - اعتبار - مرتضی قلیخان بیات - امام جمعه شیراز - دهستانی - میرزا محمد تقی طباطبائی - دشتی

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: شیروان - اسدی - حاج میرزا حبیب الله امین اعظمی - نظام مافی - آقا علی زارع - قوام - نوبخت افسر - فرهمند - حاج حسن آقا ملک - جوانشیر - میرزا حسنخان ونوق - حاج غلامحسین ملک
دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: عراقی - روحی - شریعت زاده - مهدوی محمود رضا - دیوان بیگی - بچی خان زنگنه - تقی زاده آیه الله زاده اصفهان

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: سهرابخان ساکینیان - امیر حسین خان جشیدی مازندرانی - دولتشاهی - دادگر - بالیزی - عباس میرزا - غلامحسین میرزا مسعود - حاج شیخ بیات - حمدولی میرزا - زعیم - امیر اسدالله خان - افخمی
رئیس - آقای زنگنه

زنگنه - بنده را غائب بی اجازه نوشته بودند در صورتیکه کسب اجازه کرده بودم و بعد هم بمجلس حضور بهم رسانیده و غائب نبودم

رئیس - تحقیق میشود بعد اصلاح میشود - صورت مجلس آزادی دارد یا نه؟
(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد خبر کمیسیون عریض قرائت میشود
(بشرح آن خوانده شد)

آقای شیروان نماینده محترم بواسطه کسالت دماغی تقاضای چهل روز مرخصی نموده و بر طبق تقاضای خود تصدیق دکتر معالج خود را بکمیسیون فرستاده است و برای معالجه مجبور بمسافرت به اروپا شده کمیسیون عریض چهل روز مرخصی نماینده محترم را از روز حرکت ایشان که سه شنبه ۹ آبان است تصویب و خبر آن را تقدیم می نماید.

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - آقای باسائی

باسائی - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده همان نظر مخالفی که در این قسمتها داشتم باز هم دارم و عرض میکنم خوبست آقایانی که میخواهند تشریف ببرند به اروپا یا به منزلهای آنها جا های دیگر به اسامی مختلف (لا اقل از این حقوق مدت مرخصی شان استفاده نکنند اینها در جامعه هم خوب نیست خوبست آقایان به بینند که این مرخصیها در خرج چه اثراتی دارد آخر حیثیات مجلس را هم حفظ کنید ماهی سیصد تومان حقوق میگیرند از يك ماهش صرف نظر کنند آخر چه علت دارد که همینطور مرخصی داده میشود؟ حالا که داده میشود به استفاده از حقوق بچه مناسبت است؟ بنده که نمیدانم چقدر باید این مطالب را تکرار کنم.

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - نماینده محترم باید تصدیق بفرمایند که آقایان نمایندگان مجلس هم مثل سایر مردم حق حیات و زندگی دارند همین طور که سایرین برای عايشه خود و عائله شان محتاج هستند به اینکه يك عایدی و حقوقی داشته باشند البته يك نماینده هم همین حق را دارد بعلاوه آقایان اطلاع دارند که آقای شیروانی يك نماینده هستند که زحمتشان در مجلس بیش از همه ماها است و عواید خارجی هم ندارند که بتوانند از حقوقشان صرف نظر کنند و البته در ظرف دو سال نمایندگی حق اجازه مرخصی دارند و مخصوصاً چون مریض شده اند و ناچار از معالجه هستند بنا برین بنده هم با نظر نماینده محترم در قسمت صرفه جوئی کاملاً موافقم و لیکن این يك حق است که

ایشان دارند و صرفه جوئی هم در همه جا مورد ندارد بنا براین البته مجلس شورای ملی و مخصوصاً نماینده محترم هم این حق را تصویب میفرمایند

رئیس - رأی گرفته میشود بمرخصی چهل روزه آقای شیروانی آقایان موافقین قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر

(بشرح ذیل قرائت شد)

آقای بچی خان زنگنه نماینده محترم تقاضای یکماه مرخصی برای مسافرتی که میخواهند بنمایند نموده کمیسیون عریض و مرخصی یکماه مرخصی نماینده محترم را تصویب و تاریخ آن را از روز حرکت نماینده محترم محسوب مینماید.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده میدانم که این عریض بنده اثر ندارد همینقدر میخواهم عرض کنم که در شرع اسلام این ترتیبات جایز نیست البته آقایان ملتفت این نکته هستند ولی برای اینکه شاید بعضی از آقایان ملتفت نباشند عرض میکنم که قانون اجازه اینطور بذل و بخشش ها را نداده است. حالا خودتان می دانید.

رئیس - آقای باسائی

باسائی - آقای فیروز آبادی منطق غربی بیان فرمودند مطابق قانون اسلام عاملینی که حق ارتزاق از خزانه و بیت المال ملت دارند يك وقت مریض شدند میتوانند... مدرس - چکار دارید باسلام

باسائی - بالاخره این مذاکرات در مجلس مقتضی نیست همینطور که يك مستخدمی در مدت یکسال حق یکماه مرخصی دارد يك نماینده هم در مدت دو سال حق یکماه یا دو ماه مرخصی دارد

رئیس - رأی گرفته میشود بمرخصی آقای زنگنه آقایانی

که موافقند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. راجع باعتراضی که نسبت به بعضی کمیسیونها موجود بود چون بنا بود که در جلسه خصوصی مذاکره شود عجله بنده گمان میکنم که آن کمیسیونهایی که درش اختلاف نیست ممکن است تشکیل شود مثل خارجه که بنده نفرو داخله هم که ده نفر منتخب شده اند فوائد عمه و معارف و مالیه هم که انتخاب شده اند کمیسیونها تشکیل شود که اگر لواجبی هست به آنجا مراجعه شود که بلا تکلیف نماید راجع به سایر اشخاص در کمیسیونها امروز ممکن است موقع تنفس در جلسه خصوصی قرار داده شود دستور بودجه مملکتی است. مذاکرات هم راجع بکلیات است. آقای فرمند

فرمند - در بودجه مملکتی باید کلیه نظریات که وکیل دارد مخصوصاً راجع بوزارت مالیه و عملیات او در بودجه بعرض برساند آقای وزیر هم تشریف ندارند که بعرض ایشان برسد. عرض میکنم بودجه که ما از ترقیات قرن بیستم این لغت را گرفته ایم و زبان فرانسه است این لغت يك معنای مخصوصی دارد در اروپا در کتابهای مالی و غیره مینویسد بودجه یعنی يك محاسبه خیلی دقیقی در عایدات و مخارج مملکتی البته آنجاها بوجه شان خیلی مفصل است و يك کتاب بزرگی است که واقعا قابل مطالعه است این معنای بودجه است بودجه را هم از سه نقطه نظر مطالعه میکنند اول از نقطه نظر تا کتیک یعنی محاسبات دوم از نقطه نظر قانون یا حقوقی سوم از نقطه نظر اقتصادی یا موازن علم مالیه اینجا از نقطه نظر محاسباتی اگر این بودجه را بنگریم می بینم فن محاسباتش هیچ ملحوظ نشده برای این که خرج و دخلش را در یکجا معین نکرده اند یعنی دخل را معین کرده اند و خرج را موکول به بعد کرده اند این را هیچ نمیشود گفت که جنبه محاسباتی دارد. چون خرج را به بعد موکول نموده خوب ما بچه باید رأی بدهیم

اگر بودجه نخواهیم رای بدهیم که بودجه جمع و خرج هر دو باید با هم باشد پس از نقطه نظر فن محاسباتی این حالت رقت آور را بودجه ما دارد که هیچ معلوم نیست خرجش چیست. ما ممکن است امروز بدخلش رای بدهیم و فردا آن خرج بهیچوجه موازنه با آن دخل نداشته باشد پس امروز برای هر وکیلی مشکل است که باین بودجه رای بدهد از نقطه نظر قانونی یا حقوقی وقتی که مطالعه کنیم می بینیم که این مجلس ششم است و سه دوره هم هست که عقب سر هم مفتوح بوده میبایستی اغلب مالیاتها، مجلس شورای ملی ببناید و قانونی بشود ما می بینیم چند فقره از مالیاتهای مهمی که در دست ما داده اند صورت قانونی ندارد و باین واسطه يك نقص بزرگی از نقطه نظر حقوقی در این بودجه هست. می روبرو در قسمت اقتصادی یا موازن مالی بنده مکرر عرض کرده ام. باز هم تکرار میکنم این بودجه که امروز بدست ما داده اند که تقریباً پنجاه و يك کرویر تومان دخلش است. این پنجاه و يك کرویر تومان پولی که ما از مملکت میگیریم و باید بقدر همین پنجاه و يك کرویر بطریق ممکن استفاده باین مملکت بدهیم و دولت و مجلس باید طوری این بودجه را تدوین کنند که مطابق همین میزان پولی که ملت میدهد استفاده ببرد بد بختانه ما می بینیم که آن استفاده که باید مردم به برند نمیرند بلکه در بعضی مواقع باعث عدم رضایت مردم میشوند پس بودجه باید روی این اصل در کمیسیون بودجه و هیئت وزراء تنظیم شود و در اینجا اگر معایبی از این نقطه نظرها دارد رفع کنیم بد بختانه این بودجه همه اش عیب است. ما می بینیم بهیچ نوعی از این بودجه آن استفاده هائی که باید مردم بدهد نمیدهد در قسمت اینکه این بودجه باید طوری تدوین شده باشد که از نظر اقتصادی یعنی از نقطه نظر آن مالیات که دولت از مردم میگیرد طوری باشد که سرمایه اصلی ملت صدمه نزنند این را مکرر عرض کرده

ام ما محاله سالی پنجاه شصت هفتاد کرویر توفیر صادرات و وارداتمان است. سالی پنجاه کرویر تومان از این مملکت پول میگیریم و تقریباً شانزده هفده کرویر هم برای راه های شوسه و راه آهن از مردم میگیریم که قریب به هفتاد کرویر میشود این را بایستی هیئت وزراء و مجلس شورای ملی در نظر بگیرند که با این هفتاد کرویر مالیات که از این مملکت گرفته میشود در آتیه چه وضعیتی پیدا میکنند و این مالیات را که ما امروز میگیریم پنجسال دیگر هم میتوانیم بگیریم یا خیر؟ برای اینکه وقتی بنا شد هی پول مملکت برود یعنی دولت هم که جنس نمیگیرد که بمصرف برساند پس وقتی که هی پول از مردم گرفته شد آنوقت تا پنجسال دیگر چطور میتوانند این هفتاد کرویر تومان را از این ملت اخذ کنند دولت باید در نظر بگیرد با اینکه سرمایه ملی که الان روز بروز دارد کم میشود پنجسال دیگر میتواند این هفتاد کرویر را بدهد یا خیر؟ بنده شخصاً عقیده ام این است که توفیر گراف صادرات را که ملاحظه میفرمائید این يك وضعیت خطرناکی برای بودجه سنوات آتیه ما تولید میکند و این يك مسئله است که همیشه سائسین ما باید پیش بینی کنند و لا با این وضعیاتی که ملاحظه میفرمائید بالاخره ما در يك محظوری واقع میشویم که باید ده میلیون یا زده میلیون یا زده میلیون از بودجه مان کسر کنیم آنوقت چطور میشود که از يك اشخاصی که آورده اند و پشت يك میزهایی نشاندند کسر کرد که در نتیجه يك انقلاب هم تولید شود بنده عقیده ام این است که باید يك نظر اساسی دولت و مجلس در این خصوص اعمال بکنند که آیا ما میتوانیم پنجسال دیگر این هفتاد کرویر را بگیریم یا خیر؟ و اگر مطالعه کردند و دیدند نمیشود این پول را از مردم گرفت آنوقت چه خواهد شد اگر ممکن است از حالا فکر پنجسال دیگر چهارسال دیگر را کنید. يك اصل دیگری که بعقیده بنده در بودجه ما باید منظور شود این است که وزارت

مالیه و کمیسیون بودجه باید تناسب خرج بعضی مالیاتها را در نظر بگیرند مثلاً اگر يك مالیات صدی هشتاد خرج برمی دارد این مالیات را انگیزند زیرا این قبیل مالیاتها در ممالک راقیه يك مالیاتهای بدی میدانند و همچو مالیات را الغاء میکنند و يك مالیات دیگری را که مخارجش خیلی سبکتر باشد پیدا میکنند امروزه در وزارت مالیه يك مالیاتهای وصول میشود که خرجهای فوق العاده از قبیل صدی پنجاه و صدی شصت دارد و این مالیات ها غالباً مالیاتهای جنسی است که در مملکت ما صدی پنجاه و صدی شصت بلکه زیاد تر خرج بر میدارد تا وصول شود و بالاخره بر زحمت ترین مالیاتها هم در ایران همین مالیات جنسی است که زحمات زیادی هم برای مأمورین و هم برای مؤدیان ایجاد میکند بنا بر این کلیه مالیاتهای مستقیم ما همین حال را دارد و یکی هم تحدید بزرگ است که مخارجش نسبتاً بیشتر است بعقیده بنده مجلس شورای ملی و دولت باید يك فکری بکنند و این مالیاتها را يك طوری تغییر و تبدیل بدهند که این مخارج گزاف را نداشته باشند و دیگر اینکه زحمتش برای مالیات دهندگان کمتر باشد. مطلب دیگری که میخواستم بعرض آقایان برسانم این است که وقتی که در هیئت وزراء یا در کمیسیون مشغول تنظیم بودجه میشوند باید احتیاجات مملکتی را از نقطه نظر الا هم فالا هم در نظر بگیرند و روی آن بودجه مملکتی را تنظیم کنند مثل اینکه فرض بفرمائید دولت آلمان به بحریه و به قشونش خیلی همبست میدهد اول بودجه وزارت جنگ و بحریه اش را مینویسد مثل اینکه ما خودمان در چند سال پیش بودجه وزارت جنگمان را اهمیت میدادیم ورقم بزرگ بودجه ما بود ولی حالا در این بودجه وقتی که ملاحظه میفرمائید می بینید که يك معایب اساسی هست مثلاً بعقیده بنده ما اگر نخواهیم ترقی کنیم باید رقم معارفی ما در بودجه بیشتر از این باشد. متأسفانه حالا يك رقم خیلی کوچکی است در بودجه ما و مخصوصاً خصوصاً معارفش خیلی بد تنظیم

شده است. مثلاً ما می بینیم معلم در مملکت ما هشت تومان ده تومان الی بدست تومان حقوق دارد. معلمی که باید جوانان آتیه ما را تربیت کند و قوه معنوی این مملکت در دست همین آقای معلم است این معلم ماهی دوازده تومان حقوق دارد در صورتیکه در وزارت خانه های دیگر چهل تومان و پنجاه تومان و شصت حقوق میگیرند و حداقلی که میگویند که است و اول اشل است سی و دو تومان است اما حقوق معلمین اینطور است و هیچ توجهی هم نمیشود بالاخره هیئت وزراء و مجلس بایستی از نقطه نظر الا هم فالا هم بودجه را تنظیم کنند معلمی که در هر مملکت ترقی اول درجه اهمیت را دارد این معلم در اینجا دوازده تومان حقوق میگیرد و این برای این است که بودجه از نقطه نظر الا هم فالا هم تنظیم نشده است و بطور پیش آمد تنظیم شده و این خیلی اسباب تأسف است بنده يك مثلی میزنم برای آقایان از نقطه نظر اهمیت معلم در ممالک متوسطه اروپا يك معلمی که حضرت والا شاید خوب سمش را بدانند مسیو فنس کربت این شخص در کلاس آخر مدرسه متوسطه پاریس هفته دو دفعه و هر دفعه دو ساعت درس میداد و این شخص در ماه هزار فرانک حقوق میگرفت که دو بست تومان و چیزی بالاتر میشود که تقریباً در ماه شانزده ساعت درس می داد آنجا هم سالی نه ماه مدارس کار میکنند اگر حساب کنید می بینید در سال دو هزار و چهار صد تومان این شخص پول میگرفت و تقریباً صد و چند ساعت درس میداد ساعتی بدست تومان میگرفت و آن وقت این شخص معلم مدرسه متوسطه بود و ما حساب کردیم که این شخص عایداتش در سال از راه معلمی پانزده هزار تومان بود در ضمن کتاب هم چاپ میکرد بالاخره معلم در فرنگستان در سال بدست هزار تومان عایدی دارد اما این جا بيك معلم متوسطه در ماه بدست و پنج تومان میدهند. البته تصدیق میفرمائید که مملکت ما از نقطه نظر علمی به این شکلی که الان وزارتخانه

ما حقوق میدهد ترقی نخواهد کرد زیرا علم وقتی ترقی میکند که مشتری داشته باشد در این هیچ شکی نیست وقتی که بنده می بینم به معلمین بازده تو مان حقوق میدهند و اصل درجه يك وزارتخانه سی و دو تومان است و فقط يك مختصری سواد فارسی لازم دارد قطعاً او را ترجیح میدهم و اگر بودجه معارف ما اینطور باشد قطعاً علم ترقی نخواهد کرد و البته باید هیئت وزراء و مجلس شورای ملی به این موضوع اهمیت بدهند که برای آتیه ما اهمیت دارد اغلب در مالک اروپا وقتی بودجه مطالعه میکنند پسند آرزوی ملی و مردمی روحش در بودجه مملکتی است مثلاً آلمان ترقی نظامیش را می خواست ارقام خیلی هنگفتی در بودجه مملکتش بده می شد امروزه در مملکت ما آرزوی عمومی چند چیز است یکساله مشاهده شده اصلاح وضعیت اقتصادی است اغلب حضرت در نطق افتتاحیه شان فرمودند و دولت هم بزرگداشت را آورد مواد برجسته آن اصلاح وضعیت اقتصادی بود و مجلس شورای ملی هم همیشه اظهار علاقه مندی نسبت به پیشرفت وضعیت اقتصادی کرده است اما بد بختانه در این مملکت هیچ عملی در اینخصوص نشده است و فقط در بودجه ما يك رقم دو رقم می بینیم که یکی راجع بمسئله راه آهن است و دیگری راجع به ذوب آهن این دو قلم ما نشان میدهد که دولت در صدور اصلاح اقتصادی است اما این دو رقم يك دو رقمی است که يك فرجه فوق العاده میخواهد یعنی برای هفت سال هشت سال دیگر ممکن است که کارخانه ذوب و راه آهن يك استفاده بما بدهد ولی در این بودجه هیچ اصلاح فوری دیده نمیشود و بایستی ما در این بودجه يك ارقامی که برای صرف اصلاحات فوری وضعیت امروزه باشد به بینیم نه برای چهار سال پنج سال دیگر برای امروزه بنده رقمی نمی بینم که يك امید و نویدی بمن بدهد که دولت در صدور اصلاح وضعیت خراب اقتصادی امروزه است و این خیلی اسباب

سلف است دیگر اینکه در بودجه مملکتی که فلاحی است میبایستی يك ارقامی برای ترقی فلاحت به بینیم یعنی برای مدرسه فلاحت برای تابشات فلاحی و بد بختانه در این بودجه ها که بنده مطالعه کردم چه مال پرسال و چه مال امسال يك رقمی که تناسب داشته باشد وضعیت مملکت ما که مملکت فلاحی است ندارد. تازه يك مدرسه در طهران درست کرده اند یعنی فقط يك کار هی کوچک در طهران میشود و بنده عقیده ام این است که باید دولت و مجلس شورای ملی يك اهمیت مخصوصی در موقع بودجه وضعیت فلاحی مملکت بدهند مملکت ما از نقطه نظر صنعتی خیلی عقبه نده مشکل است که يك ترقیات سریعی بکنند اما نظر بن که ما فلاحت را داشته ایم و يك عدل مان داریم اگر در صدور توسعه و اصلاح و تکمیل آن برائیم قطعاً يك استفاده های خیلی خوب از نقطه نظر اقتصاد مملکت میبریم و معتقدم که دولت باید در صدور باشد که برای حالا به سال آینده بودجه برای فلاحت ما در وزارت فوائد عامه منظور کنند که اقلاً چند مدرسه در ولایات درست کنند که بلکه آن مدارس بتوانند شاگرد هائی تربیت کنند که آنها اصول جدید زراعت را در این مملکت رواج بدهند و در بعضی ولایات يك محصولانی عمل نیورند که حالا هیچ عمل نمی آید مثلاً در کرمانشاه پنبه خوب عمل می آید ولی در آنجا بد بختانه هیچ پنبه کاری نیست یعنی هست ولی خیلی مختصر در صورتیکه اگر تشویق و ترغیبی در آنجا نسبت بمن مسئله بشود و فلاحین آن جارا عادت به کشت پنبه بدهند ممکن است سالی پنجاه هزار تومان عایدی پنبه باشد در صورتیکه الان هیچ پنبه که قابل توجه باشد در آنجا کشت نمیشود و همین طور در نقاط دیگر بنده معتقدم که برای اصلاح اقتصادی ما و برای اینکه در بودجه ما در آتیه مورد خطر و مهلکه واقع نشود باید کوشش فوق العاده در اصلاح امور اقتصادی و فلاحی ما بشود و اصلاحش هم این

است که دولت يك مزارع سر مشق در ولایات و يك مدارس علمی هم در ولایات تشکیل بدهد که بلکه انشاء الله يك نهضت فلاحی جدیدی در ایران بشود

رئیس - آقای باستانی

باستانی - مذاکراتی که نماینده محترم راجع به بودجه مملکتی دادند غالباً ظرف توجه است و اینست که محترم هم متذکر هستند و همینطور اعضاء کمیسیون بودجه و دولت هم متذکرند و حتی المقدور سعی کرده اند که این نظریات عملی شود ولی مقدمه از نقطه نظر توضیح ناگزیرم عرض کنم که در سنه گذشته چهار ماهه تا آخر سال مانده پیشنهاد شد که ما یکمرتبه به چهار دوازدهم رأی بدهیم که فرصت پیدا کنیم بودجه های ۱۳۰۶ را بطور تفصیل رسیدگی کنیم و مجلس هم نظر خودش را بطور تفصیل بگوید و عمل کند متأسفانه کمیسیون بودجه موفق نشد به اینگونه زودتر این بودجه تفصیلی را حاضر و تقدیم مجلس بکند که سریعتر مطرح و گذشته باشد چه موفق نشد؟ برای اینکه باصلاح صولین وضع آن بودجه ها وضع تخصصی است تخصیصی نیست یعنی خود بخود درست شده و روی يك مطالعه ودقیقی نشده است که يك وجوهی را اختصاص بدهند به يك مصرف معینی تشکیل یابند هم که داده شده و دواثری هم که ایجاد شده غالباً همینطور است بن جهت وقتی که بدقت به بودجه های وزارتخانه ها نگاه میکنید می بینید که از نقطه نظر تشکیلات از نقطه نظر موازنه اعتبار وزارتخانه ها و حقوق مستخدمین هیچ هم طرف نشانه نیست من جمله مستخدمین وزارت پست و تلگراف که دارای حقوق خیلی کمی بودند و معتاد هم بودند وقتی که قانون استخدام مجری شده است و خواسته اند ماده (۶۶) قانون مزبور را اجرا کنند حقوق مستخدمین را در نظر گرفته اند و برای آنها در حدود آن حقوق رتبی تعیین کرده اند لهذا مستخدمین وزارت پست و تلگراف دارای رتبه دایه شده اند ولی مستخدمین

وزارت مالبه و سایر وزارتخانه ها دارای رتبه های عالی هستند الان که ما بدقت وارد بودجه پست شده ایم بینیم که مستخدم تلگراف چهل و پنج سال خدمت دارد تازه حقوقش چهل تومان است اگر کسی وضعیت پستخانه مرکزی مراجعه کند می بیند محل و جای مناسبی ندارد. يك مبرز وسط گذاشته اند و چهل نفر در آنجا نشسته ندهم مسلمان و خودش در هوای بد در صورتیکه کار این مستخدمین بیش از همه است همینطور وقتی که ما بدقت وارد میشویم در بودجه وزارت معارف می بینیم همین وضعیت در آنجا هست و همینطور که آقای فرمند تذکر دادند حقوق معالمان مخصوصاً در ولایات هشت نومان نه تومان است آنوقت پیشخدمت در وزارتخانه های هفت سی و هشت تومان حقوق دارد و عجب در این است که مجلس هم در سنه ۱۳۰۴ این ها را تصویب کرده این تذکر بنده از باب این بوده این وضعیت در دوره پنجم و ششم ایجاد نشده این وضعیت از دوره چهارم بوده است و البته مجلس دوره چهارم هم نه در بادی مراعات نظر در بودجه مملکتی مبرکده است شاید موفق نشده است که اصلاحات بیشتری بکند و این بودجه ها که بنظر غیر عادلانه می آید تصویب شده و همان هم مبدأ و ملامت شده است برای بودجه های سنوات بعد منتهمی ما حالا سعی و کوشش میکنیم که جرح و تعدیل شود من جمله از چیزهایی که شاید آقایان با آگاهی که اطلاع ندارند قبول نکنند و تعجب کنند این است که روز گذشته در کمیسیون بودجه رسیدیم به يك قلامی که نوشته بودند تلگرافچی پیدکان با پیدکان رسیدیم که این اسم جائی است در اطراف طهران گفتند خیر يك عده مستخدمین هستند در تلگرافخانه هند و اروپا که بحقوق دولت ایران نوکر آنها هستند و اعتنائی هم بماندارند. پرسیدیم ما قرار داد التزامی داریم؟ گفتند خیر گفتیم چند سال است که این روبه مجرا است. گفتند ده بیست سال است. گفتیم در اینصورت هیچ وزیری پیدا نشد که

بگوید بچه مناسب ما که قرار داد التزامی نداریم در تمام خطوط جنوب و شرق و غرب اینها مستخدمین دیگرانند ولی از بودجه مملکت ایران حقوق میگیرند؟

این چیز غریبی است نوکر دیگران هستند و اختیارشان هم دست وزیر است و تلگراف بیست ولی از بودجه ما حقوق میگیرند!! و این قضیه از سابق هم مورد توجه نشده است نمایندگان و خود بنده هم متوجه این مسئله نبوده ایم من جمله دولت در ضمن آن اعتبارات کلی که باسم مخارج آورده است در کمیسیون بودجه يك مبلغی باسم مخارج قرانطینه های جنوب معین کرده است پرسیدیم این کسانی که مأمور صحیه هستند نوکر دولت ایرانند؟ گفتند خیر. گفتیم بچه مناسب ما باید حقوق بدهیم، اینها کی هستند.....

وزیر مالیه - این مال گذشته است مال حالا نیست باسائی - منتهی کمیسیون بودجه رأی نداد و حذف کرد. این قلم در لایحه دولت بود ولی در این رایورت نیست.....

وزیر مالیه - این آقا مال تصفیه حساب گذشته است.

باسائی - من جمله از چیزهایی که در بودجه بود شصت و پنجاه هزار تومان به اسم قرض ارزاق بود بود. نظر آقایان هست کراراً این جا مذاکره میکردیم که هفت هشت کرور اضافه عایدات است آنوقت با يك عجاه و شوقی مصرف هم بایش معین کردیم از قبیل بانگ ملي، فلان، فلان بعد معلوم شد که اینها بخورد ارزاق رفته است. حالا آقای وزیر مالیه جدیدی کرده اند و يك انتظامی در تشکیلات ارزاق داده اند و بودجه اش را بکمیسیون آورده اند. ولی در هر صورت بكمقدار زیادی بمصرف اداره ارزاق رسیده است که خرج خرید موتور هائی که در اداره حمل و نقل ارزاق بود و حالا منحل کرده اند شده است. راستی راستی اگر ما وکیل و نماینده حقیقی

ملت باشیم باید اقرار کنیم که بکقسمت از این مخارج سفیهانه است. اولین وظیفه مهم ما نظارت در خرج و دخل مملکتی است ولی متأسفانه در ادوار گذشته مجلس موفق بانجام این وظیفه نشده است و امیدواریم که در سه چهار ماهه آخر سال مجلس موفق بشود که يك مطالعات دقیقانه بطور تفصیل در این بودجه ها بکند و این اعتراضی که آقای فرمند فرمودند که چرا اقلام خرج بطور کلی معین نشده است این کار را کردیم و رایورت کلی بودجه و مواد قانونی مربوطه بآن را جلوتر دادیم که از یکطرف مجلس وارد شود به آن رایورتی که کمیسیون بودجه تمام کرده و داده است و از طرف دیگر هم ما بتدریج و ترتیب این بودجه های تفصیلی وزارتخانهها را حاضر و تقدیم کنیم که تا آخر سال مجلس موفق شود يك بودجه تفصیلی بتصویب برساند. تا کنون بودجه وزارت جنگ، بودجه دربار، بودجه وزارت خارجه تصویب شده است و رایورت آن هم تقدیم مجلس شده است، بودجه وزارت فوائد عامه هم تمام شده که قریباً رایورت آن داده میشود. بودجه وزارت معارف هم نصف آن تمام شده و بالاخره مامشغولیم و بودجه های وزارتخانهها را بطور تفصیل نگاه و مراجعه میکنیم و تقدیم مجلس میمائیم. این رأیت از این نقطه نظر تقدیم مجلس شد که لان بودجه وزارت امور خارجه تحت طبع است و تقدیم میشود و بطور تفصیل مطرح و مطالعه میفرمائید آن را که تصویب و تمام کردیم آنوقت بودجه وزارت معارف را می آوریم و الا اگر غیر از این میکردیم شما موفق نمیشدید که بطور تفصیل رسیدگی کنید و بطور تفصیل هم از عهده تصویب این بودجه های باین طول و تفصیل بر نمی آید مگر اینکه درست تصویب شود. بنده گمان میکنم که اگر این چند ماهی که به آخر سال مانده است مجلس تمام وقت خودش را صرف گذاردن این بودجه ها بکند بمورد است ولی البته بترتیب باید باشد یعنی نباید در يك هفته بودجه وزارت معارف را

مطرح کرد. در يك هفته بودجه وزارت امور خارجه را و در یک هفته هم بودجه وزارت داخله را و بالاخره در همان حین که مجلس بودجه های تقدیمی کمیسیون را تصویب میکند کمیسیون هم سایر بودجه ها را تکمیل و تقدیم میباید و در نتیجه کمتر هم وقت تصبیع و تلف میشود و ممکن است موفق به تحصیل آن منظور بشویم و الا اگر ما صبر کنیم و تمام بودجه های تقصیبی را در کمیسیون مطالعه کنیم و يك مرتبه رأیت بدهیم آنوقت وقتی برای مجلس رأی نمیداد که بآنها رسیدگی کند. دیگر از جمله ایراداتی که آقای فرمند فرمودند این بود که بعضی از این عوائدی که در ستون عایدات قید شده است صورت قانونی ندارد و ذکر هم نکردند که کدام قلم است. شاید مثلاً از قبیل تجدید و بعضی چیز های دیگر باشد ما هم تصدیق میکنیم ولی وقتیکه مجلس در سیصد و چهار و سیصد و پنج رأی داده باشد باینکه این عایدات در حدود این مبلغ گرفته شود قانونی است و اشکال قانونی ندارد منتهی يك وضعیتی بود و مجلس هم هر ساله آن وضعیت را تثبیت کرد و قانوناً آن را ادامه داد و البته مجلس بهر صورتی که تصویب کرده صورت قانونی دارد. دیگر فرمودند که ما باید نظری بسرمایه ملی داشته باشیم و بالاخره دولت که سالی هفتاد کرور از مردم میگیرد باید فکر کنیم که در سال بعد هم ممکن است این مبلغ را گرفت بماند و از نقطه نظر دخل و خرج ملت باید يك نظری داشته باشیم و نباید تنها نظرمان بخرج و دخل دولت باشد بلکه نظری هم باید بواردات و صادرات داشته باشیم. این فرمایشات تمام بجای خودش صحیح است ولی بالاخره باید دانست که این هفتاد کروری که دولت از مردم میگیرد مجدداً بمردم بر میگردد و همینطور که شما يك ستون عایداتی دارید در مقابلش هم يك ستون مخارجی دارید که بر میگردد بشخص و مردم. اما اینکه از سرمایه و ثروت ملی ما سالی چهل پنجاه کرور خارج

میشود و ما بازاری نداریم یعنی صادرات ما کمتر از وارداتمان است. علی ای حال اینطور است یعنی چه شما از مردم بگیریید و در خزانه جمع کنید و باز برگردانید بمردم و چه دولت با فلان سرمایه دار و متمول این کار را بکند بالاخره از طریق بودجه عمومی دولتی میشود این وضعیت را اصلاح کرد. بلکه اگر ما بتوانیم تقصیبی در مخارج خود مسأله قبائل شویم و در وضعیت زندگان بهمان يك جرح و تعدیل کنیم خیلی خوب است یعنی اگر شما که آقای فرمند هستید نوبت رسیدن مثل آقای مدرس زندگی کنید این تفاوت پیدا میشود ولی مادامی که من و شما قطع نیستیم فایده ندارد و باید در صد نکثیر عایدات بر آمدن اشخاصی که معتاد شدند به زندگان لوکس، چنانکه بکمترتبه دیگر هم بنده عرض کرده که این زندگان که مأمورین دولت هم به سوغات ولایات هم برده اند باید بالاخره چاره اش را از طرف دیگر کرد. کسیکه معتاد شد باینکه با چرخ الکتریک استثنائاً بکند دیگر با چراغ موشی نمیتواند زندگان کند. شما که حاضر شدید در این خیابانهای پر گل ولای با اتومبیل حرکت کنید دیگر نمیتوانید حاضر شوید یا لاغ حرکت کنید چه رسد باینکه پیاده بروید. پس باید ما از طرق اقتصادی و غیره ذلك در صد تصبیع عایدات بر آئیم و این فکر تقصیل مخارجی که در نظر آقایان هست فایده ندارد. بالاخره دروازه های مملکت ما بروی دنیا باز است چنانکه دروازه های سایر ممالک هم بروی ما باز است و ارتباط اقتصادی و تجاری ما را ملزم میکند که زندگان کنونی دنیا را قبول کنیم و خواهی نخواهی اینطور شده است پس باید در صد نکثیر عایدات بر آئیم تا زندگی ما از حیث دخل و خرج تشابه پیدا کند با زندگان سایر ممالک دنیا. این جا حقیقه قضیه اساسی مسئله اقتصادیات است و مربوط به دخل و خرج پنجاه کرور عایدات دولت ما نیست. بالاخره شما چه پنجاه کرور و چه صد کرور بگیریید

بازر میگردد ملت. اگر يك چیزهایی بخارج میروند خود ملت بیشتر بخارج میفرستد دولت. اگر يك محاسبه دقیقی بکنید می بینید که این مغازه های بازار اشیاء لوکس در لاله زار و سایر جاهای خریدارش تنها مستخدمین دولت نیستند ملاکین هم هستند، ممتولین هم هستند بجز هم هستند همه طبقات مردم خریدار این شیء لوکس هستند پس گندهای زمین رهگذر متوجه دولت و بودجه عمومی نیست. موضوع دیگری که آقا مورد تنقید قرار دادند این بود که باید مراعات این نکته بشود که هر مالیاتی که ما وصول میکنیم باید خرج وصول آن متناسب باشد یعنی زیاده نباشد. اینهم يك حرف ناسی است که اگر مالیاتی زمت میگیریم در نظر داشته باشیم که لاقص صد ده یا صد پانزده بیشتر خرج وصولش نشود بده معتقدیم که در ایران این تشکیلات و این قجق کاری مرده در زیر دولت ما میماند چه جازه بدهیم که تا صد بیست هم خرج وصول مالیاتها بشود ولی اگر صد بیست و پنج شد بده هم تصدق میکنم که زیاده است. از آن جمله مالیات توکل بود که در غالب ولایات صد بیست و پنج خرج وصولش بیشتر میشد و این کار لغوی بود. دولت يك تومان میگرفت شش قرن خرجش میکرد. در قسمت مالیات جنسی هم که فرمودند خرج وصولش زیاد میشود بده هم همینطور عرض میکنم و صورت مجلس در موقع گذشتن مالیات میزی حاضر است که بده پیشنهاد کرده مالیات جنسی را حذف کنند زیرا بیشتر ضرر متوجه دولت میشد منتهی وکلای کردستان و بعضی نقاط که غلاتشان زیاد تر از سایر نقاط بود حاضر نشدند و الا این معنی را خود بده و غالباً از نمایندگان آن دوره هم حس کردیم و پیشنهاد کردیم منتهی مجلس موافقت نکرد که مالیات جنسی از بین برود و امیدواره که ما موفق بشویم مالیات ارضی و مراغ و مواشی را همینطور که دولت هم پیشنهاد کرده است اساساً ملغی کنیم و مردم را از کلاوز شدن و محصلین

و تحصیلداران مالیه راحت کنیم و الا مادامی که شما قانون مصوب بسم قانون ممیزی املاک ایرانی در دست دارید و در آنجا قید کرده اند که مالیات جنسی را از سه خروار ببالا بگیرند حای اعتراض نیست، زیرا بالاخره این قانون مجلس رأی داده است و مادام که این قانون ملغی نشده است ما حق اعتراض و انتقاد نسبت به آن قانون نداریم و این اعتراض هم در این مورد محل ندارد. يك چیزی که بیشتر مورد توجه آقای فرمند بود این بود که ما نظرمین بودجه عمومی مملکت بیشتر باید از نظر اقتصادیات باشد و در اینمذت کار های اقتصادی برجسته نکرده ایم بده تصور می کنم قضیه بر عکس است اگر دولت ایران موافقت مجلس يك قدمت اساسی در این سنوت. اخیر کرده است بیشتر نقطه نظر اصلاحات اقتصادی بوده است پنج سال پیش اصلاحات مالی بود بده یعنی راهی نبود ولی لان قسمت مهم راهی صی بن مملکت شوم و تسطیح شده است. سالی چهار کروار پول پیدا کردید و تخصیص دادید این کار و مرتباً عمر آنها ساخته میشود و چند سال دیگر تمام ردها شومه میشود. این يك کار مهم اقتصادی است که چند سال پیش اصلاً حرفش نبود. مسئله عبادت قند و شکر و ایجاد خص آهن و کارخانه ذوب آهن و استخراج آهن از معدن اینها مهمترین مسائل اقتصادی این مملکت است و بالاخره در این چند سال ما اقدام و اهتمام کردیم و دولت هم همت و سعی کرد و فعلاً هم در دست اقدام و عمل است و البته شما که خودتان را تحصیل کرده میدانید باید بیشتر برور زمان قائل بشید. بن اخلاقی که در ما ایرانیان است که اگر يك کاری فردا میسر شد درست است و الا نادرست این را نباید قائل شد. اصلاحات مرور زمان لازم دارد، وقت لازم دارد. آن روزیکه شروع میشود هر کاری هر صلاحی بطور ناقص است و بتدریج روبه تکامل میروند. فرمودند که توجهی از ظرف دولت بمسئله

فلاحات نشده. اگر نظر مبارک باشد لایحه اضافی وزارت فوائد عامه را که مجلس رد کرد بیشترش راجع بتوسعه امور فلاحتی بود. شما رأی دادید مستر هسکل متخصص را برای این کار آوردند و الان هم ماهی ده هزار تومان خرج این آدم است. يك اداره هم در وزارت مالیه تشکیل شده که اداره لغوی است و وجود این آدم هم عطل و بطل است و هیچ استفاده اش نمیشود و دولت هم در استشارات مربوطه مخالضجات و غیر آن اصلاً به دریش نمی گذرد. خلاصه يك سره ساری تاسیس شده و حقوق هم میگیرد زیرا کنتراست را مجلس تصویب کرده است و دولت هم حق دارد ولی هیچ فایده ندارد چرا برای اینکه ماری ندانیم بن اعتبارات و اعتراض هم نباید بدوات کرد زیرا مجلس لایحه اضافی وزارت فوائد عامه را با آن ضروری که آقای رئیس الوزراء پشت بن کرسی کردند تصویب نکردند. بنا بر این دیگر بده و شهاحق نداریم عرض کنیم و لا دولت سعی و قدم خودش را در این قسمت به اندازه که وجوه عمومی اجازه میدهد و به آن اندازه که پول داشتیم کرد و يك مسأله را هم از نقطه نظر اقتصادیات و اقدامات عمی و عامی نسبت بمور فلاحتی در نظر گرفت ولی متأسفانه نشد. فعلاً هم در بودجه وزارت فوائد عامه يك اعتباراتی در خواست شده است و کمسیون هم آن اندازه موافقت کرده است و انشاء الله می آید در مجلس و بطور تفصیل مطرح شود واقع می شود و مسئله اصلاح امور فلاحتی هم آنطوریکه ممکن و میسر است اقدام مقتضی خواهد شد. اما يك نکته اساسی را از نقطه نظر بودجه مملکتی ناگزیرم تذکر بدهم و قطع دارم که اغلب آقایان هم متوجه هستند و آن این است که ما يك ملاک و میزانی برای مخارج مملکتی در دست نداریم و همانطور که اول عرض کردم بطور دبعه از روی نخصص يك مخارجی مرتب شده است و می آورند اینجا و ما هم روی نظریات خصوصی رای

میدهیم. ولی بودجه مملکتی را ما باید مرتب کنیم که حساب این را قبلاً کرده باشیم که مثلاً صد چند فلان مبلغ پولی که داریم مسائل باید خرج فلان مسئله بشود یا صد سی و صد چهل خرج قشون، صد بیست خرج معارف، صد ده خرج صحیه، یا صد فلان خرج عدلیه شود و يك تناسی در نظر بگیریم و بودجه تصویب می شود ولی چرا در اینمذت بخانه این من موفقی نشده به برای اینکه عقیده شده بن مسئله کار مجلس تنب نیست کار دولت تنها هم نیست این مسئله يك ضروری دراتی لازم دارد که بشکونه نظریات در آنجا مطرح و عمل شود که متأسفانه آن را نداریم. حالا که نداریم خود دولت میبایست در يك جلساتی تشکیل دهد و لا قبل بودجه سنه ۱۳۰۷ را با يك اصولی تنظیم کند. نظریات مختلف است هم بین وزراء و هم بین وکلای. یکی عقیده اش این است که باید اعتبار قشون را زیاد کرد. یکی عقیده اش این است که باید اعتبار معارف را زیاد کرد. یکی معتقد است باید اعتبار صحیه را زیاد کرد. هر کس يك نظری دارد این نظر ها گرفته میشود و بالاخره در يك جائی مستقر میگردد که مثلاً ما باید صد چند عوائد مملکتی را صرف قشون کنیم و صد چندش را خرج صحیه ولی متأسفانه حالا این طور نیست بودجه قشون ما نوزده کروار است. بودجه صحیه دویست هزار تومان بودجه وزارت دخله پنج کروار است. بودجه وزارت معارف دو کروار. خلاصه هیچ تناسی در اعتبار وزارتخانهها ملحوظ نیست مدرس - مقطعه است باسانی - آنوقت می بینید که رئیس صحیه بیچاره با این جدی که بخارج میدهد میبایست هر روز بیاید بالماس و عجز و لابه ده هزار تومان پنجهزار تومان از این گوشه و آن گوشه پیدا کند برای مخارج صحیه در حالی که همه ماها موافقیم با صحیه و همه داد میزنیم که اوضاع صحی در ولایات بد است، مرضخانه

نیست ، فقراً دارند میبیرند ، نفوس این مملکت در کم و کاست است ، باید يك فكر اساسی کرد ، در موقعش کنفرانس می دهیم ، حرف میزنیم . در روزنامه هم مقالات نوشته میشود ولی راه عملیش را کم کرده ایم . راه عملیش این است که ما اساساً بنشینیم به بینیم فواید مملکتی را روی چه ملاك و میزان باید تقسیم کرد . این مملکت بچه چیز احتیاجاتش بیشتر است و اصطلاح الاقدم و الاقدم و الاهم فالاهم چیست و چه طور باید این بودجه را تنظیم کرد و الا اینها بودجه هائی است که خود بخود درست شده است بنده عقیده ام این است که مقدم بر تمام مخارجی که ما می کنیم مخارج قشونی است . عقیده شخص بنده این است برای اینکه هر چه قشون ما قوای نظامی ما بیشتر شد اهمیت و عظمت ما بیشتر است . ممکن است یکی عقیده اش این نباشد عقیده اش معارف یا صحیه مقدم باشد . بنده عقیده ام این است که قشون بر صحیه هم مقدم است ممکن است از گوشه و کنار اعتراضات بشود ولی بالاخره بهتر این است که قضایا را بنده کنیم ، احتیاجات مملکت را در نظر بگیریم ، نظریات سیاسی و نظامی و اقتصادی و معارفی را روی هم بریزیم و توأم کنیم ، آنچه از میانه شور مجلس و دولت بیرون میآید آن می شود بودجه حساب آنوقت ما بدینا میگوئیم ما سالی شصت کرویر عایدات داریم ، اینطور صلاح دانستیم که سالی سی کرویر را خرج قشون کنیم بقیه اش را هم خرج قوه قضائیه و معارف و سایر مؤسسات بکنیم و مادمی که این روید نخذ نشود خود ما باید تصدیق کنیم که این بودجه ها اساسی نیست و مذاکراتی که ما می کنیم چه بعنوان مخالفت و چه بعنوان موافقت اینقدر ها مورد ندارد . این بودجه ها همینهاست که دولت میدهد . بالاخره ما خیلی سعی می کنیم می گوئیم در وزارت پست و تلگراف چرا فلان مستخدمی که سی سال است خدمت میکند حقوقش بر تبه ثباتی رسیده است ، کسی که مشمول

قانون استخدام باشد لا اقل باید حقوق رتبه يك را بهش داد ما بدولت این را تذکر می دهیم سی و دو تومان میکنند ولی این اصلاح بودجه نیست با اینکه مخارج مستخدمین بیدکان یا بیدکان را دیگر رأی نمی دهیم می گوئیم ما مستخدمین پست و تلگرافی که نوکر دیگری باشند حقوق از ما بگیرند و ما هم در مقابل آن تعهد و قرار دادی نداشته باشیم نمیخواهیم و دیگر این کار سفینه را تکرار نمیکنیم . معذک این قسمتها اصلاحات اساسی در بودجه مملکت نیست ، اصلاحات اساسی آنست که بنده تذکر داده و استدعا دارم آقایان هم يك مطالعه و دقت بیشتری در این قسمت بکنند که بودجه ۱۳۰۷ از این نقطه نظر تنظیم شود که ما مقایسه کرده و احتیاجات و مقتضیات مملکت را در نظر گرفته بيك تناسبی و روی يك ملاك و میزان مخارج مملکتی را معین کنیم

رئیس - آقای مدرس

مدرس - همیشه خبرهائی که از کمیسیونها تقدیم مجلس میشد چونکه البته بدو آقای رئیس آنها را مطالعه میفرمودند من همیشه بنظر تصدیقی با آنها نظر می کرده بجهت این که آقای رئیس را در این گونه امور اصرار از خود میدانم و میدانم لهذا اجمالاً تصدیق میکردم که اشکال قانون بقین ندارد . در هفته گذشته يك لایحه بود در آن جلسه يك اشکالی شد آقای رئیس فرمودند خوب اگر اشکالی دارد مجلس قبول نکند . از این قضیه من استنباط کرده که ممکن است خبری بنظرشان اشکال قانون داشته باشد ولیکن اظهار نفرمایند فذر هم فی خوضهم بلعبون بجهت اینکه خودشان قبول کردند اضافه خرج بود ولی بنظر مجلس واگذار کردند لذا احتمال میدهم يك رأی بنظرشان اشکال داشته باشد و ساکت باشند بگویند خود مجلس در نظرش نگاه میکند . لهذا عقیده من این است که رأیت کمیسیون بودجه که داده است بهیچ رویه و بهیچ قانونی رأیت بودجه مملکتی

نیست . شاید آقای رئیس هم نظرشان همین باشد که احتمال می دهند لیکن نظر کرده باشند که خوب اگر اشکالی دارد خود مجلس نظر کند و الا این بودجه مملکتی که اسمش بودجه مملکتی باشد نیست و هیچ شباهت بودجه مملکتی جمع و خرجی که ما بتوانیم بجمعش درست رأی بدهیم و بخرجش درست رأی بدهیم بنظر من ندارد . ظاهراً این بودجه که يك که چهار حرفی یا پنج حرفی است این همان عبارت جمع و خرج قدیم است . سابق يك جمع و خرجی مینوشتند برای مملکت و برای هر ولایتی هم يك کتابچه دستور العمل مینوشتند رویش مینوشتند (جمع و خرج) که عایدات را فقره فقره معین می کردند که ما در زمان سابق در ولایت اصفهان خودمان يك چند ناس را دیدیم غالباً جلد هایش هم مخمل بوده رویش نوشته بود (جمع و خرج) هر جمعی و هر عایدی بقلم مخصوص در آنجا نوشته شده بود هر خرجی بخصوص در آنجا نوشته شده بود اگر از کسی چیزی مطالبه میکردند میگفت کتابچه را ببینیم این قلم تویش هست یا نه ؟ مطالعه میکردند اگر در دستور العمل بود قبول میکردند و الا نمیکردند . حالا این بودجه مملکتی هم میخواهند ظاهراً بفرمایند همان است . جمع و خرج یعنی این چیز هائی که از مردم گرفته میشود و این چیز هائی هم که خرج میشود حالا اعتماداً بوزیر مالیه و اعتماداً بمخبر کمیسیون ما آمدیم و گفتیم مذاکرات کافی است و رأی دادیم . رأی گرفتیم و گذشت .

مخبر - ری که گرفته نمیشود .
مدرس - پس فایده اش چیست . فایده اینکه ما با رأی بدهیم چه چیز است که پیش از آنکه رأی ندادیم آن فایده مرتب نیست و بعد از رأی دادن آن فایده مرتب است ؟ و اگر هم فایده ندارد که چرا آورده اند ؟ اگر فایده دارد بعقیده من باید فایده بودجه باشد اگر چه من همیشه در مذاکراتم مستقبل نیستم و هر چه هم با آقایان رفقا نصیحت کرده که نمکر کرده است لیکن در اینجا تأیید میکنم فرمایش آقای

ناسائی را که اخیراً فرمودند بودجه مملکت این است که عایدات مملکت را قانون تصویب کرده باشد . مخالفه با اینکه در ضمن بیابند اینجا يك چیزی را داخل کرده باشند که سابق قانون نباشد . باید هر عایدی را دولت لایحه مشتمل بر مقدماتی پیشنهاد مجلس کند و زود کمیسیونهای قانونی سیر خودش را بکنند و بعد بتصویب مجلس برسد تا اینکه مالیت بشود که اینها هر خرجی را هم همینچنین باید لایحه اش را ترتیب بدهند و مجلس بیاورند و سیر قانون خودش را بکنند تا این که در ضمن يك چیز هائی را در عایدات بکنند و در ضمن يك چیزی را هم در مخارج بکنند که این لایحه خیلیش را در دست . حالا کار ندارم مقصود این کله است که ما باید تمام عایدات مملکت را که قانونی است بدانیم و بعد مخارج و هزینه هائی که دولت در نظر گرفته است و پیشنهاد کرده است بسنجیم و آن عایداتمان را بحسب احتیاجات بوزارتخانه قسمت بندی کنیم و الا . این مثل این است که من اول زمستان است صد تومان دارم (یا سیصد تومان دارم) بقول آقای گویم آدم خوب است ذغال چوب بخرد سیصد تومان را ذغال چوب بخرد آنوقت در روغن و برنج گیر کنم . اما اگر تمام مخارج سال را در نظر آوردم و عایدات را هم در نظر آوردم و الا هم کار کردم در نظر گرفتم و از روی يك فلسفه و اساسی کار کردم اینطور نمیشود . این عراضی که من می کنم نسبت بگذشته نیست این عراض من این است که مذاکره در این خوب است که اسباب بصیرت بشود که بودجه هائی تفصیلی که از این بعد مینویسند از روی يك اساس و يك فلسفه آن قسمت بندها را بکنند و داخل بودجه کنند . و کیف . وارد مسئله بشویم و آن مسئله این است که صحبت هائی که بنده اینجا میدارم امروز بنا بر اصول موضوعه است که مصداق مجادله احسن باشد و آن این است که بر فرض اینکه مملکت ما مشروطه

باشد و ما دولت مشروطه باشیم تمام جمع و خرج مفصله باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد. من برای فرض حرف میزنم. حالا رئیس الوزراء توی بازار میروند يك وزیر میآورد اینجا معرفی میکند بدون استشارة خارج از موضوع من است. من در این فرض حرف میزنم که ما مشروطه هستیم، تبع قانون اساسی هستیم بودجه های مملکت از يك دینار که از مردم گرفته میشود و يك دینار که خرج میشود باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد برطبق يك قانونی که قانون اساسی باشد نامشروع بشود. این را هم به آقایان عرض میکنم در این بودجه نسبت بگذشته حرفی ندارم هر چه شده است. تمام مذاکرات برای این است که کمیسیون بودجه و دولت توجه بکنند که این بودجه های تفصیلی که انشاء الله الرحمن نوشته میشود در آتیه شاید از روی فلسفه انصاف و قانون باشد که انشاء الله الرحمن خدمتی کرده باشیم و همه این نظر را دارند. عدل چیست؟ انوشیروان عادل یعنی مالیات نمیگرفت؟ میگرفت. خرج نمیگرفت؟ میکرد. قشون نداشت؟ داشت. جنگ نمیگرفت؟ میکرد. عدل آنست که از مورد گرفته شود و بمورد خرج شود. از همانهایی که گرفته میشود خرج همانها بشود. این معنی عدل است. از ملت پولی که گرفته میشود بمصارفی برسد که بر نفع آن ملت باشد و هذا معنی العدل. نه معنی عدالت این است که مالیات نگیرند و داد میزند ضعیفه که من يك مرغ دارم يك تخم مرغ از من نگیرید. نه يك تخم مرغ از آن ضعیفه گرفتن ظلم نیست. عدل است در صورتیکه مصارف همان خرج کنید. صد تا تخم مرغ روی هم بگذارید يك تله بگیرید که شغال نیاید مرغ ضعیفه را ببرد (خنده نمایندگان) این میشود عدل. اثبات شیئی هم نفی ماعدا نمیکند مسلم است این بودجه و امثال این بودجه که گذشته بود و بعد هم که میآورید ظلم است. چه ظلمی است؟ آن ظلمی است که الملك لا یبقی مع الظلم. عدل را که عرض کردم معنایش

چیزت از جایش گرفتن بقدر امکان و بمصرف همانها رساندن بقدر امکان و اگر این عمل بشود هرگز باقتصاد مملکت ضرر نمیزند هرگز. الان پنجاه کروور گرفته میشود اگر صد کروور از این مملکت هر ساله گرفته شود و بمصرف خودشان برسد همیشه هم منظم است، هم معمور است، هم اقتصاد محفوظ است. نقیض کل شیئی رفعه ظلم آنست که از جای خودش گرفته نشود ولو بجای خودش خرج بشود یا از جا گرفته شود و بجای خودش خرج نشود این هم ظلم است. این دوتا ظلم در دنیا زیاد است از جای خودش گرفته نمیشود بجای خودش خرج میشود یعنی خرج مردم میشود. از جای خودش گرفته میشود بجای خودش خرج نمیشود این هر دو صورت ظلم است ولیکن ببقی الملك. يك ظلم است که لا یبقی الملك و آن این است که گرفته شود و خرج نشود. باید کمیسیون بودجه که هیچکس از نمایندگان همین ملت و عضو همین مجلس هستند در این بودجه که در نظر میآورند (اینکه چند ورق کاغذ است) نظر کنند که از کجا گرفته میشود و کجا خرج میشود اگر خرج شد در بند کم و زیادش نباشند. من با آقای فیروز آبادی در این مسئله چندان موافقت ندارم بنده میگویم البته خرج بشود. گرفته بشود اینها همه خوب است ولیکن در صورت گرفته شود که خرج بشود یعنی باز در میان مردم باشد. این ضرر فاحش مملکت نمیزند. ولی باید آنچه در نظر آورد این است که آنچه گرفته میشود بجای خودش خرج نشود و من عقیده ام بر این است که سابق بر این خیلی کارهای ما مقاطعه بود باید مقاطعه موقوف بشود. نه از جهت این است که با دولت موافق نیستم این را عرض میکنم. موافقت و مخالفت ربطی باین موضوع ندارد. با وضعیات موافقم یا مخالفم. مربوط با اینجا نیست این حرف را اساساً میگویم. اگر مملکت پولش گرفته بشود و خرج نشود مثل همین پول انحصار قند و شکر که الان تمرکز یافته است و مدتی هست که خرج

نشده است البته ضرر باقتصاد مملکت میزند ولو بمصلحة جمع شده ولی چون خرج نشده است ضرر به اقتصاد مملکت میزند. یکی از وزارت خانه های مهم ما که موافقم با عقیده ایشان که گفتند من وزارت جنگ را مقدم میدانم بجهة اینکه فرمود (تأمین العباد و تعمیر البلاد) اصل ملك داری این است تأمین العباد و تعمیر البلاد این ملك داری است لکن تأمین العباد بیول نیست آقا بیول نیست. بخرج کردن پول است نه بیول. اگر شما عوض ده ملیون صد ملیون برای يك وزارتخانه معین کنید فایده اش در خرج کردن پول است بنده میگویم کمیسیون بودجه همین مسئله را که بنده عرض کردم که مهم است و عقلاً و نقلاً و انصافاً بر هر چیزی مقدم است همین را تحت نظر بگیرند که ما بیست کروور که میدهیم باید چقدر قشون داشته باشیم. چهل هزار بسیار خوب حساب می کنیم. صد هزار. حساب می کنیم. قشون اجباری مخارجی دارد؟ حساب میکنیم. قشون نیچی مخارجی دارد؟ حساب می کنیم به بنیم این پول که می دهیم به مصارف قشون می رسد؟ صد هزار قشون داریم در مقابل ده ملیون مخارج پنجاه هزار قشون داریم؟...

آقا سید یعقوب - بودجه اش مرتب است مدرس - بله بودجه اش مرتب است مرکزیت مخارج است باید حساب کنند کمیسیون بودجه که ما این ده ملیون که میدهیم مقابلش چهل هزار قشون داریم صد هزار قشون اجباری داریم؟ ده ملیون مخارج صد هزار قشون اجباری است. مخارج چهل هزار قشون نیچی است.... بعضی از نمایندگان - اینطور نیست.

(همه - صدای زنگ رئیس)

مدرس - حساب است بنده از گذشته حرف نمیزنم میگویم کمیسیون بودجه اینها را بدقت در تحت نظر بیاورد و بیاورد ما در مجلس رأی بدهیم. اختصاص باین ندارد. وزارتخانه های دیگر را جزء بجزء در تحت نظر

بیاورند و بیاورند اینجا ما ها رأی بدهیم ولی من موافق نیستم که بایک اجلیاتی که محتاج بيك قوانینی است؟ مثلاً چند فقره دارد یکی متعلق بقانون استخدام. در آخرش در ماده ۲۱ يك چیزهایی بر داشته اند نوشته اند که اصلش قانون استخدام را ملغی میکند این لایحه باید مفصلاً درش مذاکره شود نه اینکه در ضمن این بودجه بیایند يك همچو تصرفاتی بکنند. خیلی فقرات در این لایحه هست و این فقرات قانون میخواهد. باید لایحه اش را بمجلس آورد. مجلس بکمیسیونها بفرستد. رأی بدهند. بله فایده این بعقیده من این است که از اینجا که رفت يك ده بیست کروور خرج کنند و الا ما نفهمیده ایم از روی بصیرت که جمعیست، خرجش چیست.

وزیر مالیه - فرمایشات نماینده محترم بعقیده بنده منقسم بدو قسمت باید بشود. یکی مربوط باصل رובה است که خودشان اظهار فرمودند بر روی اصول موضوعه حرف میزنند و این اصول موضوعه يك اصول عملی است که ما که قوه مجریه هستیم همش رفتار میکنیم. در این قسمت بعقیده بنده مطلب خیلی روشن است و هیچ قابل اختلاف نظرین خود ایشان با بنده یا نمایندگان محترم دیگر نیست. اینکه فرمودند که بایستی جمع و خرج بتصویب مجلس برسد بنده میخواهم به بنیم که اگر باین ترتیب عمل نمیشد آنا هیچ موردی برای ایشان که این لایحه را موضوع قرار بدهند و این فرمایش را بکنند پیدا میشد؟ پس همه از دولت و کمیسیون بودجه و مجلس شورای ملی روی این فکر و روی این عقیده کار میکنند که باید جمع و خرج مملکت بتصویب مجلس برسد. در این قسمت اول يك کلیاتی را هم در ضمن اشعار فرمودند راجع بعوائد که تعبیر می فرمودند باینکه صحیح باید گرفته شود و از جای خودش باید گرفته شود و قسمت مخارج که میفرمودند بایستی بجای خودش خرج بشود. اصل جمع و خرج و تقاضای تصویب از مجلس شورای ملی برای همین است

که مجلس شورای ملی هم تصدیق نکند یا رد نکند که فلان قلم جمع بجای خودش گرفته نمیشود یا فلان قلم خرج بجای خودش نیست. لازمه يك جمع و خرجی و تصویب يك جمع و خرجی همین هست و تقدیم کردن لوائج بودجه بمجلس و فرستادن مجلس آن لوائج را به کمیسیون که مأمور این کار است، و رسیدگی آن کمیسیون و تقدیم آن رایزت بمجلس بالاخره برای رسیدن بهمین نتیجه است که ایشان در ضمن آن کلیات که اظهار میفرمودند خود آن کلیات را نقض عملی که شده قرار میدادند. تعبیر آنست که از عدل و ظلم فرمودند البته از حقایق مسلمه و از بدیهیات مطلقه و اولیه است که همیشه همانطور که عرض کرده هر وقت ایشان اظهار میفرمایند البته همه تصدیق خواهند کرد ولی مورد این که تطبیق بشود و معلوم شود که آیا این حقایق و این اصول مراعات میشود یا نمیشود و اگر مراعات نمیشود چه باید کرد که مراعات بشود بحث در موضوعات و تطبیق کردن این کلیات است با این مصادیق و این مصادیق هم همین لایحه بودجه است و بودجه هائی که ضمیمه باین لایحه است چه آنهایی که فرستاده شده است بکمیسیون بودجه و چه آنهایی که فرستاده خواهد شد پس بنده تصور میکنم در این قسمت کلی و اظهارات که فرمودند اصلاً مطلبی نیست که قابل مغایرت باشد و تکذیب باشد برای هیچکس. مسلم است. در ضمن همین کلیات اظهار فرمودند که باید جمع بر طبق قوانین باشد البته این مسلم است که عوائدی که گرفته میشود بر طبق قوانین گرفته میشود حالا اگر در جمعی که دولت بمجلس تقدیم میکند يك قلمی هست که در آن قلم آقا تصور میکنند که قانون برای اخذ این قلم جمع نیست خوب این را باید وقتیکه بان قلم میرسیم بحث کرد آنوقت اگر دولتی که این قلم را جزء عواید نوشته دلائلی داشته است از برای اینکه میبایستی جزو عواید نوشته شود و کمیسیون بودجه که بعد از مطالعه و بحث در مرحله اول

تصدیق کرده است پیشنهاد دولت را و پیشنهاد را مخیر کمیسیون فرستاده است. بمجلس دلائلی دارد برای اینکه اظهار میکنند و بالاخره مجلس هم آنوقت قضاوت میکند که آیا نظر حضرتعالی در این قلم جمع صحیح است یا نظر دولت و کمیسیون بودجه که این را پیشنهاد کرده اینها يك بحثهایی است که بطور کلی نمیشود حرف زد آقا که نمیخواهند بفرمایند تمام این عوائدی که ما اینجا ذکر کرده ایم هیچکدامش بر طبق يك قانون نیست. ناچار در بعضیهاش نظر دارید. میخواهید بفرمائید يك قلمش اینطور است. يك قلمش طور دیگر برای رسیدن باین مقصودی که آقا اصول موضوعه نامیدند يك مراحل معین و محققى هست که همان قانون اساسی و همان قوانینی است که بر طبق قانون اساسی تدوین شده و مجری است. برای اینکه جمع و خرج ملکی بتصویب مجلس برسد يك مقرران قائل شده اند مقررانش این است که آن قوه که قوه مجریه است و عامل و مجری است بایستی در نظر بگیرد عقیده خودش (جنابعالی مسؤول عقیده او نیستید. او هم مأخوذ عقیده ما نیست) بایستی در نظر بگیرد که مطابق عقیده و نظریه خودش اقلام جمع و عایدات این مملکت که مطابق با قانون دارد چیست. اینها را معین کنند بعد هم مخارجی را که لازم میدانند در نظر بگیرد. آنوقت آنها باید بیاید در مجلس. مطابق نظامات جاریه که هست يك مرحله اولیه را در کمیسیون طی بکنند. يك مرحله ثان در اینجا طی بشود و در موقعی که بحث میشود این اختلاف نظرها طی بشود و اکثریت مجلس هم رأی بدهد ولی حالا چطور میشود در ضمن بیان و تشریح يك اصل مسلم کلی و يك اصل صحیح آقا اینطور نتیجه بگیرند. پس این يك چیز بیخودی است. این را بنده قبول ندارم برای اینکه رسیدن مقصودی که شما در نظر دارید گرفتن نتیجه که میخواهید از این راه باید بشود. حالا قسمت دوم را در نظر میآوریم. قسمت دوم طرز عمل و عمل

است. این را يك قدری تشریح کنم برای اینکه این عقیده در يك قسمتی از آقایان هست. این کلیاتیکه اظهار میشود همه بجای خودش صحیح است. يك سوء تفاهمی تولید نشود راه اینک بشود يك لایحه بودجه را در مجلس تصویب کرد چه چیز است. گذشته از اینکه يك اصولی، يك مقرراتی برای اینکار هست، يك قوانینی هست، قانون محاسبات عمومی در مجلس وضع شده که نمیدانم آقای مدرس بدانشان هست و اخیراً مراجعه فرموده اند یا نفرموده اند؟ علاوه بر آن يك نظامنامه در مجلس هست يك کمیسیونهائی بر طبق آن نظامنامه افتتاح میشود. علاوه خود آقای مدرس (از این اصول و مقررات گذشته) از نقطه نظر جنبه عملی خاطر میآید که ما هر دو در کمیسیونهائی مختلف بودجه شریک بودیم. آنچه با هم کار کردیم و همین شکلی که حالا عمل میشود آنوقت هم عمل شده. ما خودمان هم آنها را تصدیق کردیم. من خودم مخیر کمیسیون بوده. دفع ازش کرده. آقا آرزو خوشبختانه برای دولت وقت از موافقین بودند. بقیه چاک کردند. بالاخره همین ترتیب اصول و مقررات بود و بنده آن اصل و مقرراتش را توضیح میدهم. در دوازده سابق هم همینطور عمل شده است. دولت مطابق قانون میبایستی جمع مملکت را معین کند و همینطور خرج مملکت را هم مطابق قانون معین کند. آن اقلام جمع را با بودجه های جزو جمع باید بد مجلس بفرستد در تعیین جمع مملکت البته ملاحظه قانون اساسی میشود و البته این اصل که در قانون اساسی مصرح است که: هیچ مالیاتی گرفته نمیشود مگر بموجب قانون. باید مراعات شود و دولت جمع مملکت را از روی عمل معین میکند و میفرستد به مجلس و مجلس هم البته باید نظر داشته باشد و تفتیش کند. و این یکی از مسائل مسلم و اجباری و الزامی است که همیشه جمع يك سالی را که میخواهند معین کنند باید قبل از آن سال باشد چون مطابق قانون قبل از هر سال بودجه آن سال باید بیاید بمجلس و تصویب شود

این بودجه سال ۳۰۶ است و امروز که بیشتر از سه چهار ماه باخر سال بقی نمونده است و حالا آقاییان مطرح فرموده آید و در بید در آن بحث میفرمائید حتماً بایستی چهار ماه قبل از تقاضی ۳۰۵ نموده شده باشد. البته يك او قصی در کار های ما هست بطوری که متأسفانه نمی توانیم در این قضایا سرعت و آن ترتیبی که منظور نظر ما است ملحوظ بدریم. اینها يك واقعی است که باید امروز زمان اصلاح شود. البته آن قضایا نروی محور خودش بیفتد و سیر طبیعی خودش را آنطوری که لازم است سیر کند مدتی وقت لازم دارد. البته دراتی که میخواهد عوائد یکسانی را که هنوز پیش نیامده معین کند کار مشکلی است چون این اصل يك اصل مشترك در همه دنیا است حتی در آن قسمت از ممالک نامند و راقید که تمام کار هاشان مثل چرخ ساعت منظم است و میخواهند بودجه را قبیل از دو سه ماه باخر سال مانده از مجلسهای خودشان بگذرانند در هیچ يك از این ممالک مرسوم نیست که دولت جمع خودش را بطور قطعی معین کند. چرا؟ برای اینکه نمیشود پیش بینی کرد از يك عملی که هنوز برقرار و معین نشده. پس با اینحال نمیشود يك رقم قطعی را معین کرد. پس دولت چه باید بکند؟ مرسوم این است که دولت نگاه کند بگذشته یعنی بان سال گذشته یا سال قبل از سال منقضی شده با احتیاطاً تلفیق میکند عمل هر دو سال منقضی شده را آنوقت می بیند در ۳۰۴ یا در ۳۰۵ عمدتاً مالیات مستقیم و غیر مستقیم مثلاً چقدر بوده آن وقت از روی آن عمل کرد که يك رقم قطعی است يك چیزی حدس میزنند و برای سال بعد پیش بینی میکنند و ملاحظاتی کم و کسر و نکات را هم میکنند و با يك دلائلی که در دست دارد تمام اطرافش را می سنجند آنوقت يك مبلغی را میزان قرار میدهند. با يك چیزی علاوه میکنند.

میشود. این عملی است که از وقتی که ما یادمان است همیشه دولتهای ما عمل میکردند و بر روی این اصل و زمینه بودجه جمع و خرج را تهیه میکردند - در قسمت اینکه اشاره شد که بعضی از این اقلام یا قانون تطبیق نمیکند در این جا بنده که امضا کننده این بودجه هستم مجبوره عرض کنم که این عقیده را ندارم (ممکن است بنده خط هم کرده باشم و همینطور دیگرهم که نامن در این نظر موافق است ممکن است او هم خطا کرده باشد، ممکن است کمیسیون بودجه هم که بین بودجه رأی داده است او هم خطا کرده باشد و انشاء الله آقا ما را از اشتباه بیرون خواهند آورد) ولی نظر ما که امضا کننده این بودجه هستیم این است که این اقلام جمع را يك قلام صحیحی است تا هم در بنده خودمرا مجاز دانسم که این اقلام را جزو قلام جمع مملکتی بدانم - البته وقتی که داخل این قلام شدیم و در یکی یکی خوستیم بحث کنیم در هر يك از اقلام که اختلاف نظری هست آقا دلائل خودشان را میفرمایند ما هم دلائل خودمان را ذکر میکنیم خوب خرج چطور تهیه میشود؟ اینطور که قبل از سال وزارت مالیه میزان اعتباری را که برای سال بعد فرض میکنند و مملکت بان محتاج است در نظر بگیرد و تعیین کند و بوزراء دیگر اطلاع دهد چنانچه خود بنده در دو ماه قبل راجع به بودجه ۳۰۷ همین کار را کردم یعنی يك مراسله رسمی رئیس الوزراء نوشتم و سوادش را بنام وزارتخانه فرستادم که برای ۳۰۷ وزارت مالیه تصور میکند فلان مبلغ اعتباری برای خرج لازم دارد و تقاضا کردم که ادارات مختلف و وزارت خانهها مطابق مصلحت و برطبق احتیاجات عمومی و مملکتی و از لحاظ الاهم فالاهم و در حدود عوائدی که پیش بینی میشود بودجه خودشان را تنظیم کنند و بفرستند به وزارت مالیه برای اینکه مطابق قانون محاسبات این بودجه ها در وزارت مالیه تحقیق و رسیدگی شود و پس از تصدیق

و تهیه به مجلس تقدیم شود. این عملی است که بنده در دو ماه قبل کرده و قبل از سال ۳۰۶ همین عمل را عیناً سابقین کرده اند و وقتی این خبر به هیئت وزراء رسید انشتند و نوبی خودشان مذاکرات کردند و بعد از مذاکره البته برای هر وزارت خانه يك مبلغی را در نظر میگیرند و معین می کنند که مثلاً فلان مبلغ در این سال برای فلان وزارت خانه خرج شود و بعد وزیر هر وزارت خانه خودش صورت جزوش را معین کند و وزارت مالیه و دوات بودجه خرج را تهیه میکند و وزارتخانه ها هم روی اعتباری که آنها تخصیص داده شده بودجه های خودشان را نوشته اند و همانطوریکه عرض کرده بواسطه اینکه ما در امور زندگانی خودمان مخصوصاً در امور دربارمان يك توقیف داریم تا اینکه حقاً می نیستی این عمل آنوقت تمام شده باشد و وزارتخانه ها هم کار خودشان را کرده باشند و مالیه هم مراقبت خودش را کرده باشد و تمام بودجه های جزء بمجلس آمده باشد این کار نشده و تاخیر شده و بطور بطی پیشرفته و چند دفعه آمده و دوباره برگشته این ها آقا يك چیزهایی نیست که موجب ایراد زیاد باشد. زیرا چنانچه عرض کردم آقایان راجع بکلیه امور باید در نظر داشته باشند که مملکت ما امروزه در حال نشو و نمایی جدیدی است و مملکتی که وضعیتش در حالت نشو و نما است خیلی احتیاجات نمکن است پیدا کند که سه ماه قبل شاید نمی توانست آنرا پیش بینی کند شما ملاحظه بفرمائید يك جوانی که امروزه در حال نشو و نما است و يك لباسی حالا برای خودش میدوزد یقین است که شش ماه بعد این لباس برایش تنگ میشود و باید بزود يك لباس وسیعتری برای خودش تهیه کند. مملکت ما امروزه در يك حالت و مرحله ترقی و نشو و نما است - در يك مرحله ایست که باید اصول اداری خودش را تکمیل کند و تمام مؤسسات و چرخ های اداری خودش را باید کامل کند بنابراین در این قبیل مواقع نمیشود خیلی

خورده گرفت که مثلاً چرا فلان وزارت خانه چهار ماه قبل مخارج خودش را فلان طور پیش بینی کرده بود بعد مصادف شد با يك وضعیتی که مجبور شد بودجه خودش را پس بگیرد و در آن يك مطالعاتی بکند و مثلاً تطبیق کند با يك اضافاتی که قبلاً توانسته بود آنرا پیش بینی کند و از این جهت يك تأخیری در کار شده این يك چیزی است که بنده بطور گذارش عرض میکنم و اگر در کلیه امور مملکت دقت بفرمائید می بینید که اغلب اوقات ما مواجه با این مسائل هستیم و بنا بر این ترتیبات را با نظر مساعدت بید تلقی کرد باید موافقت کرد تا این نتیجه اصلی که عبارت از آن کلی است که میخواهیم برسیه موفق شویم پس بنده بر میگردد اصل مطلب بودجه ۳۰۶ این ترتیبی که عرض کرده مطابق قوانین جاریه مملکتی مخصوصاً بر طبق قوانین محاسبات عمومی تدوین و به مجلس تقدیم شده است و مطابق اصول موضوعه در آن مطالعه شده است. حالا باید دید در کمیسیون بودجه که دولت مرحله اولی خودش را در آنجا میگذازد چه اقداماتی شده و آیا به آن ترتیبی که لازم است عمل کرده یا خیر؟ بنده عرض میکنم بلی مطابق ترتیبات لازمه و جاریه عمل شده کمیسیون بودجه که در واقع مرحله ابتدائی است در تمام جلسات انعقاد خودش اهتمام لازمه را کرده و بنده یقین دارم اگر آقای مدرس در آنجا تشریف میداشتند و حالت دولت و وزراء را در چنگال آقای آقا سید یعقوب و سایر آقایان اعضاء کمیسیون بودجه ملاحظه میفرمودند و یاد میآوردند آن اوقاتی که بنده و ایشان عضو کمیسیون بودیم و چقدر با ملامت و ترمی با دولت وقت در قضایا موافقت میکردیم آنوقت تصدیق میفرمودند که وضعیت هیچ قابل مقایسه با هم نیست در تمام مسائل در کمیسیون بحث شده و موافقت نظر حاصل شده و سوکمیسیونها معین کرده اند و به تمام اقلام جمع و خرج

رسیدگی کرده اند و سوکمیسیونها يك ماه دو ماه سه ماه چهار ماه تمام رسیدگی کرده اند فکر کرده اند خوب بالاخره تمام این کارها اینکه ما میکنیم برای چیست؟ مگر برای این نیست که تمام این بودجه ها از تصویب مجلس بگذرد؟ ما خودمان انشتیم و حساب کردیم دیدیم اگر نخواهیم به این ترتیب پیش برویم یعنی این طور که در کمیسیون بودجه سرایر ما میگذازد و در هر قلم مدتها بحث میکنند شاید دو ماه سه ماه دیگر طول داشته باشد بتوانیم تمام بودجه های تفصیلی را جزء بجزء از تصویب بگذرانیم و اگر میخواستیم پس از تصویب کمیسیون بودجه ها را به مجلس بیاوریم قلم بقلم در آنها بحث کنیم و با تمام کیفیات ملاحظه کنیم شاید فرصت نبود ولی يك راه حلی در نظر گرفتیم و آن این بود که ما لایحه کل جمع را تهیه کردیم بودجه جمع همین است که ملاحظه میفرمایند بین دولت و کمیسیون بودجه در بودجه جمع هیچ اختلافی نیست در همه جای دنیا هم مرسوم این است که هر وقت میخواهند در بودجه مطالعه کنند اول بودجه جمع را بیدنه بکنند و تا این قسمت معین نشود بصورت خرج نمی توان رسیدگی کرد در این قسمت بین دوات و کمیسیون بودجه مسئله حل شده و هیچ اختلاف نظری نیست و توافق نظر دارند خوب! حالا این قضیه را کجا باید قضاوت کرد؟! و کجا آقای مدرس باید معتقدات و نظریات که در بودجه دارند اظهار بفرمایند؟ و در کجا باید مسائل بحث شود؟! بدیهی است که در مجلس باید بحث و اظهار شود؟ و در اینجا باید مسائل را بگوئیم و اظهار کنیم.

چرا نگفته بگذاریم و برویم؟ و چرا کار بماند؟ بعد اگر فرصتی شد و جمع را قلم بقلم نگاه کردیم آنوقت قضایا معلوم میشود. شاید در ضمن يك حقیقی هم معلوم بشود و آشکار بشود که ما نمیدانستیم. آنوقت ما چشمهامان رامیبالیم و باز میکنیم و میرویم مطابق آن

رؤیا یا حقایقی بنا کشف شده است بودجه خرج را منظم میکنیم و باید دانست که تمام این بودجه های خرج هم در يك مرتبه و يك جلسه و در جلسه و يك هفته تمام نخواهد شد و هر کدام از بودجه های تفصیلی يك كتابچه خواهد شد البته وقتی طبع و توزیع شد ملاحظه میفرمائید تمام این ها را که نمی توانید در يك روز ملاحظه میفرمائید مجرد اینکه بودجه جمع را تمام کردند شروع میشود به بودجه های تفصیلی از نمره يك، دو سه چهار... حالا اگر آقای مدرس نظری دارند و میل دارند که نمره پنجم حاضر است بجای نمره يك مطرح شود آن يك نظری است ولی خودتان میدانید که هیچیک از این بودجه ها رای نهائی داده نمیشود مگر اینکه تمامش گذشته باشد و این برای ما فرقی ندارد. زیرا هیچیک از این بودجه ها از این مجلس بیرون نمیروند تا تمامش تمام شده باشد. این مطابق عمل است که همیشه رفتار میشده و نظامنامه در اینصورت فرقی ندارند برای نمره و نه برای کمیسیون بودجه و نه برای جناب مستطاب عالی که نمره يك اول مطرح بشد یا نمره دو و نمره سه دیگر. زیرا وقتی رای تصویب قطعی و نهائی نسبت به بودجه مملکتی داده میشود که تمام بودجه ها یکی یکی در مجلس طرح شده باشد و زانو گذشته باشیم و تمام شده باشد آنوقت بر میگردیم ماده دوم این بودجه که معین میکند فلان ماده خرج است. هر وقت اینجا رسیدیم شما بان ماده خرجی که بنظرتان زائد برسد ممکن است رای ندهید و البته بان ماده هم رای نمیگیریم مگر وقتی که مقدمات کار تمام شده باشد. حالا آقای مدرس میفرمایند اگر رای بدهیم چه میشود. این يك نقطه ایست. ببخشید. عذر میخواهم بنده فرمایش آقایان فهمیدم برای اینکه شما که رای میدهید ناچارید که اول باین رای بدهید. شما وقتی که يك قانون بیست ماده می خواهید بگذرانید چطور میگذرانید؟ اول ماده يك را رای میدهید و وقتی که رای دادید او تمام است؟

خیر. بلکه یکی یکی مواد را مطرح میکنید مذاکره میکنید در هر يك پیشنهاد میکنید و بهر يك از آنها با قیام و قعود رای میگیرید همینطور یکی یکی را میگذرانید تا برسید ماده بیستم و تمام میکنید پس از آنکه در مورد مباحثه کردید و تمام شد باز بر میگردید و يك رای کلی نسبت به تمام قانون میگیرید و تا آن رای کلی را نگیرید تمامی آرائی که نسبت به مواد و جزء جزء آن قانون داده اید هیچکدام صورت قطعیت و قانونیت ندارد در این باب هم همینطور است و طرز عمل رسیدگی به بودجه مملکتی همینطور است. بنده نمیتوانم تصور کنم که ممکن است طرز دیگری را غیر از این در نظر گرفت که قائم مقام این طرز باشد. کمیسیون بودجه کار بدی نکرده ما حساب کرده ایم و گفتیم این لااخذ را به مجلس تقدیم میکنیم و اقلا جمع را مطرح کرده یکی یکی مطالعه میکنیم تا تمام شود و این برای کمی فرست بود زیرا اگر میخواستید اقلا خرج را یکی یکی مطرح کنیم و به تمام آن قدم بگذاریم رسیدگی کنیم در ظرف سه ماه هم تمام نمی شد چنانچه از آن روزیکه این بودجه نوشته و تقدیم شد بیشتر از یکی دو بودجه نصیبی در کمیسیون نمانده یکی مال معروف و دیگری مال فوائد عامه است که آنها میروند بطبعه رای اینکه چه شود و بنظر آقایان برسد پس راه منحصر بفرد از اینکه ما بتوییم يك بودجه مملکتی را مطابق اصول موضوعه بتصویب برسانیم و آن وظیفه که مجلس از نقطه نظر عمل حق خودش در بودجه سابق قانون اساسی دارد رفتار کند همین است که بین ترتیب عمل شود حالا اگر يك نظری در کار باشد که اصلا بودجه مملکتی تصویب نشود و همان دو دوازدهم ها بیاید و بگذرد (چنانچه بنده این مسئله را گاهی در خارج شنیده ام) آن يك نظر دیگری است. چون مسئله فروض و شقوق زیاد دارد، آنوقت البته مطابق حساسی که ما لان باید نکنیم می بینیم در این مدت وقتی که با آخر سال مانده اگر فرضاً مجلس

تمام اوقاتش را با سرعت هرچه تمامتر صرف تصویب بودجه بکند باز عملاً موفق بتصویب این بودجه نخواهد شد. بنده خیلی عذر میخواهم ولی چون از يك شخصی شنیده ام که نظرش این بود که هیچوقت بودجه نباید از مجلس بگذرد و می گفت مصلحت در این است که همیشه کار بر روی يك دوازدهم اداره شود. از این جهت عرض میکنم اگر این نظر باشد که هیچ. و البته عقیده ام آزاد است. و بنده معتقدم که عقیده هر کس مطابق صلاح مملکت باید آزاد باشد اعم از اینکه وکیل باشد یا غیر وکیل حالا اگر ما میخواهیم بودجه در مملکت داشته باشیم و اگر میخواهیم که این ترتیب فعلی که يك ترتیب مضر و غلطی است از بین برود هیچ راه غیر از این نیست که آقایان هم خودشان را صرف مطرح کردن این بودجه بکنند و با جدیت هرچه تمامتر این بودجه را طرح کنند و تمام مقاصدی که آقایان دارند در هر قسمت که نظری دارند خوبست در پشت همین تریبون بفرمایند و مسائل در حین مباحثه ممکن است روشن شود آقای مدرس فرمودند باید دید که فلان مبلغی که بفلان خرج تخصیص پیدا کرده آیا در موقع عمل تطبیق میکند یا نه؟ خوب این مسئله را کی باید ببینند و در کجا باید روشن شود؟ اگر من که وزیر مالیه هستم یا هیئت وزراء که قوه مجریه شما است باید این مسئله را ببینیم بنده عرض میکنم من دیده ام و میدانم که مطابقت میکنند و اگر ندیده بودم امضاء نمی کردم دولت اگر ندیده بود امضا نمی کردم شما باید ببینید و البته وقتی که بودجه تفصیلی طرق و شوارع با بودجه وزارت جنگ یا مثلاً فواید عامه در اینجا طرح شد آقا البته ملاحظه میکنید و اگر نظری دارید میفرمائید و با رقم و مقدار کاغذ استدلال کنید که مثلاً فلان مبلغ بودجه باید بیش از اینها حاصل بدهد. آنوقت من هم همین جا و پشت همین تریبون استدلال میکنم و با رقم ثابت و مدلل میکنم که خیر این مبلغ باید همین حاصل را بدهد حتی بنده بالاخر

میروم و استدلال میکنم که حاصل و نتیجه که امروزه مثلاً از بودجه وزارت جنگ میگیرید دو برابر آن مبلغی است که شما مطابق ترتیب صحیح خرج میکنید (از طرف بعضی از نمایندگان - صحیح است) و در موقعی که مسئله مورد مباحثه میشود بنده معین و روشن می کنم که اگر ما می خواستیم وضع قشون و نظامی خودمان را مطابق رویه که در دنیا معمول است تنظیم کنیم و از دول دیگر تکیه و تقلید کنیم و همان میزانی که دول دیگر به صاحب منصب و افرادشان حقوق میدهند ما هم بدهیم آنوقت ملاحظه میفرمودید که این بودجه فعلی گنجایش پنج هزار نفر را هم نمیداد در صورتیکه امروزه اینطور نیست. این ها يك حقایقی است که بالاخره باید گفته شود چرا باید از گفتن این مطالب احتراز کرد؟ از اینکه این حرفها زده نشود چه فائده دارد؟ و اینکه ما این لایحه را برداریم و ببریم به کمیسیون بودجه معنی این است که ما میخواهیم این حرفها در اینجا زده شود و البته آقایان هم حکمیت خواهند کرد. و اینکه مسئله را ما پنهان کنیم یا لایحه را ببریم به کمیسیون و مسائل را عنوان نکنیم و در نتیجه باز روی همان اصل يك دوازدهم زندگانی کنیم چه فائده خواهد داشت؟ پس روی هم رفته وقتی که ملاحظه میشود آقایان تصدیق خواهند فرمود که کمیسیون بودجه این لایحه را مطابق اصول موضوعه و قوانین اساسی و موضوعه و بر طبق حقی که قانون اساسی و قوانین موضوعه باو داده است وظیفه خود را عمل کرده و نظریه خودش را اعمال کرده و حالا دیگر نوبت کار شما رسیده و مجلس باید داخل کار شده و وظیفه خودش را انجام دهد. و تا وقتی که اینکار تمام نشود نتیجه ندارد. مثلاً آقا اشاره فرمودند باینکه در این بودجه موادی هست مثلاً ماده بیست و يك را ذکر فرمودند که يك نواقصی دارد...

مدرس - ماده بیست هم همینطور است.

این را بپنداریم دور البته کمیسیون بودجه که این بودجه را مضا کرده ند و برای شما فرستاده ند البته آنها هم دارای يك فكر مستقل و صاحب يك عقیده و نظری هستند و بر طبق مأموریتی که بآنها داده شده است رفته اند و وظیفه خودشان را اجرا کرده اند. اختلاف نظر را در اینجا باید رفع کرد نه در کمیسیون بودجه. و به عقیده بنده هر اشتباه و هر کار غلط و اشتباه قانونی هم که در این لایحه باشد برای رفع آن می بایستی در اینجا مذاکره کنیم. شما نباید این را از سر خودتان باز کنید مگر اینکه آن سیاست و عقیده در کار باشد که مثلاً دوازدهم خوب چیزی است. این نظر را بنده معتقد نیستم و گمان نمیکنم که آقایان هم معتقد باشند.

رئیس - پیشنهاد شده است جلسه ختم شود. بقیه مذاکرات میباید برای روز سه شنبه

(مجلس نیمساعت از ظهر گذشته ختم شد)

فکر شخصی خودم قائل باین اصل باشم که از لحاظ صلاح مملکت قانون بودجه باید قائم مقام قوانین اداری ما شود این عقیده شخصی بنده است. در هر صورت يك همچو عقاید و نظریاتی هست. و این ها يك مسائل و مطالب نظری است. فرض بفرمائید بنده مدعی هستم که این ماده درست و یکی که آقا بآن اشاره فرمودند هیچ وجه از آن قبیل که میفرمایند نیست. برای اینکه طرز خرج است و اشاره بر این است که این پول صد پنج را مثلاً شما چطور باید بدهید و همانطوریکه در يك بودجه جزو وزارت خانه مینویسد. اداره فلان مبلغ اینجا هم در يك ماده نوشته اند که صد پنج حقوق انتظار خدمت هم بین شکل تقسیم میشود اما حالاتصور میکم نظر آقا این است که این ماده در قانون بودجه نباید باشد ممکن است آقا این نظر را داشته باشند و يك دلالتی داشته باشند که وقتی فرمودند خود بنده هم که این نظر را ندارم نظریه بشانرا تصدیق کنم. ما نباید

با این نظر موافقت کرده و این طرز را اجرا کرده اند شاید اگر این ترتیب را به بنده پیشنهاد میکردند قبول نمیکردم ولی در آنجا وزیرش موافقت کرده. حالا که اینطور شده بنده می توانم باو بگویم و ایراد کنم چرا این طور کردید؟ اگر بگویم جواب خواهد داد همچرا. حالا آمدم سر کمیسیون بودجه کمیسیون بودجه ما اظهار کرد و گفتند این ترتیب شما خوب نیست ما هم تصدیق کردیم و گفتند چکار باید بکنیم. ما گفتیم و صحیح هم گفتیم که قانون بودجه یعنی مواد قانون بودجه برای تعیین و قانونی کردن طرز خرج است. آقای مدرس حضرتعالی را که دست علامت نمی میفرمائید مراجعه میدهم به بودجه ۳۰۴ که خودتان تصویب فرمودید. الان بودجه ۳۰۵ را ممکن است بخواید و جلو روی خودتان بگذرید و ملاحظه فرمائید که در آنجا از این قبیل مواد زیاد دارد و صحیح هم این است و هر قانون بودجه که تصور بفرمائید باید از این مواد داشته باشد اگر هم میل داشته باشید ممکن است قوانین بودجه سایر ممالک را هم بنده بیآورم و بسرکار نشان بدهم. بعضی ها اصلاً عقیده شن بالا از این است. این خودش يك طرز فکر و يك نوع اجتهادی است بعضی عقیده شان این است که اصلاً قانون بودجه در مملکت نباید اس اساس تمام کارها باشد و صاحبان این عقیده قائل به قانون تشکیلات در وزارتخانهها نیستند و اصلاً میگویند قانون تشکیلات وزارتخانهها یعنی قانون بودجه و معتقدند که يك قسمت عمده از قوانین اصلاً لازم نیست و هر چه هست باید در قانون بودجه گذرانند. اینهم البته يك اصل و قوائی است که يك اشخاصی خودشان را در قبول آن محق دانسته اند خاصه کسانی که دوست سال، دوست و پنجاه سال است که بودجه دارند. مجلس دارند. قانون دارند و عمل هم کرده اند. حالا ما اینجا هم رفته ایم و اینجا هم کاری نداریم. بنده خودم شاید شخصاً از نقطه نظر

وزیر عالیه - این ماده درست و يك چه میگوید. میگوید: مادام که عده منتظرین خدمت وزارتخانهها بیش از صدی پنج مستخدمین هر وزارت خانه است پرداخت حقوق آنها بنحو ذیل خواهد بود. در این جا اختلاف نظر و اختلاف سلیقه است. و قانونی که در این باب موجود و درست است همان قانون استخدام است که میگوید صد پنج منتظر خدمت هر وزارتخانه را باید حقوق داد ولی در آنجا نگفته که چه جور باید بانها حقوق داد و تکلیف مخصوصی معین کرد. امروز بنده در وزارت عالییه يك نظامنامه گذرانده ام مبنی بر اینکه اول به کسانی که سابق خدمتشان بیشتر است بانها بدهند و ایشانرا مقدمه دارند در درجه دوم بکسان که محکمه نشده و محکوم نشده اند بدهند و در درجه سوم چه و چه. مقصود این است چون بموجب قانون به بیشتر از صد پنج نمیشود حقوق داد و ناچار يك عده از گرفتن حقوق محروم خواهند بود از این جهت بنده مطابق اجتهاد و سلیقه خودم این ترتیب را در وزارتخانه راجع بخودم در نظر گرفته ام. حالا اگر آقای مدرس بفرمایند چرا بنده هم در جواب ایشان عرض میکنم هم چرا. برای اینکه قانون از مجلس گذشته که در بین منتظرین خدمت بیش از صد پنج نمی توانند حقوق بگیرند ولی قانون نگفته چه جور. این قانون را شما در دست من داده اید که اجرا کنم و مادام که شما مرا در این کار نگاه داشته اید و من مجری این هستم باید يك طرز اجرائی برای این قانون پیدا کنم و راهی که بنده پیدا کرده ام همین ترتیبی است که در نظر گرفته و در وزارتخانه مربوطه خودم اجرا کرده ام. يك وزارتخانه دیگر يك طرز دیگر برای خودش قائل شده مثلاً وزارتخانه - همه با هم جمع شده اند و فکر کرده اند و بالاخره اینطور توافق نظر بین خودشان پیدا کرده اند که حقوق انتظار خدمت را تومان شمار بین خودشان تقسیم کنند و وزیر وزارت خانه اش هم